

فهرست کتاب احکام سلطانی

باب اول: فی عقد الامامه

(پیمان امامت)

امامت برای جانشینی پیامبر در پاسداری از دین و سیاست ورزی دنیایی وضع شده است.

و جوب آن شرعی است. انتخاب خلیفه به دو صورت است: ۱. توسط اهل اختیار (خبرگان انتخاب کننده خلیفه) و لایتهدی. اختیارکنندگان و هم اختیارشونده باید دارای شرایط خاصی باشند. دو شرط برجسته از شرایط خلیفه عدالت و نسب قریشی داشتن است.

اگر دونفر با شرایط یکسان برای خلافت مناسب باشند، باید با توجه به اوضاع زمانه یکی از آن ها را اختیار نمود. چنان چه دو نفر برای خلافت در یک زمان و دو مکان انتخاب شوند امامت هردوی آن ها باطل است. امام حاضر می تواند دو یا سه نفر را به ترتیب، یکی بعد از دیگری، برای خلافت بعد از خود تعیین کند. با انتخاب خلیفه بیعت با او بر همگان واجب است و لزومی ندارد که بیعت کنندگان او را به اسم و رسم بشناسند. خلیفه در حق مردم وظایفی دارد و مردم نیز در حق او وظایفی: یکی اطاعت و دیگری یاری رساندن. اطاعت و نصرت خلیفه تا زمانی است که از عدالت خارج و یا دچار نقص بدنی نشود (ص ۱۷). کوتاه شدن دست امام از تصرف در امور، به عللی چون اسارت در دست دشمن، موجب بطلان امامت او خواهد شد...

باب دوم: فی تقلید الوزاره

(اعطای مقام وزارت)

دو نوع وزیر وجود دارد: وزیر تفویض و وزیر تنفیذ. وزیر تفویض اختیاردار تمامی اموری است که خلیفه عهده دار آن هاست جز سه مورد که یکی از آن ها انتخاب ولیعهد است. وزیر تنفیذ فقط به عنوان مشاور خلیفه آن چه را بر عهده اش گذارند، عمل می نماید و هیچ نوع اختیاری از خود ندارد. وزیر تفویض تمامی شرایطی را که برای خلیفه لازم است، به جز شرط نسب، باید دارا باشد. زن نمی تواند وزیر شود. از اهل ذمه بودن وزیر تنفیذ ممکن است. خلیفه می تواند یک یا چند وزیر تنفیذ داشته باشد اما وزیر تفویض فقط یکی... .

باب سوم: فی تقلید الاماره علی البلاد

(منسوب نمودن فرمانروایان بر شهرها)

فرمانروایان یا باید تصرف در کلیه امور را داشته باشند (ولایت عامه) و یا فقط در بعضی از امور (ولایت خاصه). فرمانروای عام را که خلیفه تعیین نموده وزیر تفویض نمی تواند عزل و یا جابه جا کند. شرایط چنین فرمانروایی همان شرایط وزیر تفویض است....

باب چهارم: فی تقلید الاماره علی الجهاد (نصب فرمانده بر امر جهاد)

جهاد اختصاص به جنگ با مشرکین دارد و ولایت بر آن دو قسم است: یکی سیاست گذاری در امور لشگریان و تدبیر مسائل جنگ و دیگر این که تمامی مسائل مربوط به جهاد اعم از غنائم، عقد صلح و... بر عهده ولی آن باشد.

سپس وظایف فرمانده را در ارتباط با لشگریان، اختلاف میان آن ها، جاسوسان، پیران و زنان و کودکان و آن چه را که باید لشگریان بدانند، حقوقی که خداوند و امیر بر آن ها دارند... گوشزد می کند.

باب پنجم: فی الولاية علی حروب المصالح (ولایت بر جنگ های مصلحت آمیز)

در این باب به بحث درباره جنگ هایی که سود و آسایش امت اسلامی در آن است می پردازد. و طی سه فصل درباره کسانی که باید با آن ها جنگید، سخن می گوید: فصل اول درباره مرتدان، فصل دوم باغیان و فصل سوم محاربان و راهزنان.

باب ششم: فی ولاية القضاء (قضاوت)

کسی می تواند به قضاوت گمارده شود که دارای هفت شرط باشد: مرد بالغ، عاقل، آزاد، اسلام، عدالت، سلامت گوش و چشم و عالم بودن.

باید میزان ولایت، محل قضاوت، نوع قضاوت، اوقات قضاوت را برای قاضی مشخص کرد. جواز قضاوت برای معتقد به مذهب شافعی، چگونگی انعقاد ولایت قضا، خصوصیات قاضی مطلق التصرف و میزان تصرفات او در امور، قاضی خاص العمل و محدوده تصرفات او.

باب هفتم: فی ولاية المظالم (دادرسی)

ولایت مظالم آن است که فردی مقتدر که دارای نفوذ کلام و با شخصیت و عقیف است، اشخاصی را که نسبت به حقوق دیگران ظلم و تجاوزی کرده اند و یا می کنند به طرف انصاف سوق دهد و نزاع کنندگان را از نزاع کردن بازدارد.

مؤلف برای این که بیان کند ولایت بر مظالم از مسائل مهم در اداره کشور است حکایت هایی چند از رسیدگی به مظالم در عهد نبی اکرم - ص - و عمر بن عبدالعزیز را ذکر کرده، اضافه می نماید: پادشاهان ایرانی رسیدگی به مظالم را از اصول حکومت و عدالت می دانستند به طوری که جریان انصاف و عدالت را بدون آن ناممکن می شمردند قریش نیز در عصر جاهلیت برای رسیدگی به مظالم و انصاف دادن به مظلوم در مقابل ظالم پیمان بسته بودند (ص ۷۸) سپس تفاوت قاضی و دادرس، و احکام مربوط به رسیدگی به مظالم، را ذکر می کند.

باب هشتم: فی ولاية النقاہ

علی ذوی الانساب

ماوردی در این مبحث از ریاست و رسیدگی به امور صاحب نسلان و این که چه کسانی باید این نقابت را بر عهده بگیرند و ویژگی های آنان سخن می گوید و با گفتاری درباره نقابت عامه و خاصه مطلب را به پایان می برد.

باب نهم: فی الولايات علی امامه الصلوات

امامت برای نماز سه قسم است: یا برای نمازهای پنج گانه، یا نماز جمعه و یا نمازهای مستحبی. انتخاب امام برای مسجد شاه و دیگر مساجد. حق اعتراض نداشتن خلیفه به امام جماعت، به خاطر مذهب وی. صفاتی که امام جماعت

باید داشته باشد. محل ارتزاق امام جماعت و موذن. امام جمعه و شرایط برگزاری نماز جمعه، امامت برای نمازهای فطر، قربان، خسوف، کسوف، استسقا و اوقات آن ها.

باب دهم: فی الولایه علی الحج

سرپرستی حج دو نوع است: راه اندازی حاجیان و اقامه حج. راه اندازی، سیاست گذاری بر امور حاجیان و مسائل مربوط به حج است. و اقامه آن مانند اقامه نماز است. مولف شرایط هر دو نوع از سرپرستی به تفصیل بیان کرده و وظایف آنان را، یک به یک با توضیحات وافی آورده است.

باب یازدهم: فی ولایه الصدقات

تعریف صدقه و زکات، اموالی که زکات بر آن ها واجب است، اقسام زکات، مال ظاهر و مال باطن، چگونه باید صدقات را گرفت، مسئول صدقات اگر از اعمال تقویض یا تنفیذ باشد، چگونه باید عمل نماید.

باب دوازدهم: فی قسم الفیء والغنیمه

فیء و غنیمت از مشرکان به دست میآید، بررسی تفاوت های این دو با صدقات، چگونگی دخل و تصرف خلیفه در فیء، تفاوت عامل فیء با عامل صدقات، غنیمت، وضعیت کفار پس از اسارت، تکلیف زنان و کودکان و احکام سرزمین ها و اموالی که از کفار به دست میآید.

باب سیزدهم: فی وضع الجزیه والخراج

وجوه اتفاق و اختلاف جزیه و خراج، تعریف جزیه و خراج، شروطی که حتما باید به هنگام عقد جزیه با مشرکان قید شود، شرایطی که مستحب است در قرارداد جزیه ذکر شود.

باب چهاردهم: فیما تختلف

احکامه من البلاد

سرزمین های اسلامی بر سه قسم است: حرم، حجاز و غیر این دو. مقصود از حرم، گفتاری درباره مکه و مسجد الحرام و کعبه، احکام اختصاصی حرم و تفاوت آن با سایر بلاد، حجاز و وجه تسمیه آن، حکم حضور زنده و مرده ذمی و معاهد در آن، بحثی درباره صدقات رسول خدا(ص)، دیگر سرزمین ها و اقسام آن، میزان در محاسبه خراج برای زمین های خراجیه.

باب پانزدهم: فی احياء الموات

و استخراج المياه

حکم احیای موات، موات از دیدگاه فقیهان، شرایط احیای موات برای زراعت یا درخت کاری، شرط خراج بستن بر موات احیاء شده. اقسام و احکام آب هایی که از زمین استخراج می شوند.

باب شانزدهم: فی الحمی والارفاق

حمی زمین هایی است که احیا سبب مالکیت بر آن نمی شود، علت مالک نشدن، اقوال فقها در این باره، ارفاق و احکام و اقسام سه گانه آن.

باب هفدهم: فی احکام الاقطاع

اقطاع سلطان و اقسام آن اقطاع تمليك و استغلال، اقسام اقطاع تمليك موات و عامر و معادن، اقسام اقطاع استغلال: عشر و خراج.

باب هجدهم: فی وضع الديوان

وذكر احكامه

تعريف ديوان و وجه تسميه آن، اول کسی که در اسلام ديوان را وضع کرد، اقسام ديوان سلطنت: ۱.۱ امور ارتش ۲.۱ رسوم و حقوق ۳.۱ عزل و نصب عمال حکومتی ۴. بیت المال و در پایان شرایط کاتب ديوان که عدالت و کفایت است ذکر شده است.

باب نوزدهم: فی احکام الجرائم

حد زنا، حد خمر، حد سرقت، حد محاربه، حد قذف و لعان به زنا، حد قذف در جنایت ها، و بحث درباره تعزیرات و احکام آن.

باب بیستم: فی احکام الحسبه

امربه معروف و نهی ازمنکر را حربه گویند. تفاوت محتسب با دیگر شهروندان در امور مربوط به حربه، ارتباط احکام حربه با احکام قضاء و مظالم، اقسام امر به معروف و نهی ازمنکر و حقوق الهی و انسانی در این رابطه به تفصیل مورد بحث و مذاقه قرار گرفت است.

